

Research Paper

Iran's Opportunities for the Brics Group's Role in the Transition to the Multipolar International System



Reza Simbar¹ , *Daniel Rezapour² , Saman Fazeli³

1. Professor of Political Science and International Relations, University of Guilan, Guilan, Iran

2. PhD. in International Relations, University of Guilan, Guilan, Iran

3. PhD. Candidate in International Relations, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran



Citation: Simbar, R., Rezapour, D., & Fazeli, S. (2019). [Iran's Opportunities for the Brics Group's Role in the Transition to the Multipolar International System]. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 7 (Special Issue), 164-190. <https://doi.org/10.30507/JMSP.2020.102465>

<https://doi.org/10.30507/JMSP.2020.102465>



Received: 5 April 2017

Accepted: 2 March 2020

Available Online: 21 January 2020

Key words:

Iran's Opportunities for
Brics Group's Role in
Transition to Multipolar
International Systems.

ABSTRACT

The issue of “transformation” and “transfer of power” in the international system and how it is, has been one of the most interesting topics in theorists' theory. Unlike the past, change, which had only a military dimension, has economic, political and cultural dimensions today. Although the current US order and Washington's consensus still prevail, components such as changes in the international political economy, the emergence of emerging powers, indicate the future evolution of power in the international system. Cooperation and institutionalization of emerging powers also indicate the will to change. One example of this will is the BRICS group. The Brexit Group calls for changes in the economic and political arrangements of the international system in the interests of the so-called Southern countries. On the other hand, Iran is one of the proponents of change in the international system, and with its reformist literature, it has been one of the main proponents and applicants for change in the Western-oriented world order. according to what mentioned above, the main question of the research is does emergence of emerging powers, especially in the form of the BRICS group, create opportunities for Iran? In response, it appears that the emergence of BRICS in the political and economic spheres has potential for the Islamic Republic of Iran, and that Iran could take advantage from these benefits through institutional cooperation with BRICS and its members.

* Corresponding Author:

Daniel Rezapour, PhD.

Address: Guilan, University of Guilan

Tel: +98 (911) 9695074

E-mail: danyalrezapour@gmail.com

فرصت‌های ایران در قبال نقش‌آفرینی گروه بریکس در نظام بین‌الملل چندقطبی

رضا سیمبر^۱، *دانیال رضاپور^۲، سامان فاضلی^۳

۱. استاد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

۲. دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

۳. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۶ فروردین ۱۳۹۶

تاریخ پذیرش: ۱۲ بهمن ۱۳۹۸

تاریخ انتشار: ۱ بهمن ۱۳۹۸

موضوع «تحول» و «انتقال قدرت» در نظام بین‌الملل و چگونگی آن یکی از مباحث جالب توجه نظریه‌پردازان بوده است. تحول، برخلاف گذشته که فقط بُعد نظامی داشت، امروزه دارای ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هم هست. هرچند نظم امریکامحور فعلی و اجماع واشنگتن هنوز غالب است، مؤلفه‌هایی همچون تغییرات در اقتصاد سیاسی بین‌الملل و کنشگری قدرت‌های نوظهور، نشان از تحول آینده قدرت در نظام بین‌الملل دارد. همکاری‌ها و نهادسازی‌های قدرت‌های نوظهور حکایت از وجود اراده برای تغییر نیز هست. یکی از مصادیق این اراده، گروه بریکس است. گروه بریکس خواهان تغییراتی در سازمان‌ها و ترتیبات اقتصادی و سیاسی نظام بین‌الملل در راستای منافع کشورهای به‌اصطلاح جنوب است. از سوی دیگر ایران یکی از مدافعان تغییر در نظام بین‌الملل است و با ادبیات اصلاحی خود یکی از منادیان و متقاضیان اصلی تغییر در نظم غرب‌محور جهان بوده است. بر مبنای مطالب گفته‌شده، سؤال اصلی پژوهش این است که آیا ظهور قدرت‌های نوظهور، و به‌ویژه در قالب گروه بریکس، برای ایران فرصت‌هایی را به‌وجود می‌آورد. در پاسخ به این پرسش باید گفت ظهور گروه بریکس در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی فرصت‌هایی بالقوه برای جمهوری اسلامی ایران دارد و ایران می‌تواند از طریق همکاری‌های نهادی با بریکس و اعضای آن، از این مزایا بهره‌مند شود.

کلیدواژه‌ها:

بریکس، سیاست خارجی ایران، انتقال قدرت، امریکا، چندجانبه‌گرایی.

* نویسنده مسئول:

دکتر دانیال رضاپور

نشانی: گیلان، دانشگاه گیلان

تلفن: ۰۷۴-۹۶۹۵۰۹۱۱ (۹۱۱) +۹۸

پست الکترونیک: danyalrezapoor@gmail.com

۱. مقدمه

به دنبال فروپاشی شوروی، ایالات متحده به تنها ابرقدرت در عرصه جهانی بدل شد. اما همان‌گونه که برخی نظریه‌پردازان رئالیست پیش‌بینی می‌کردند، «لحظه تک‌قطبی» امریکا با مشکلاتی مواجه شد. به‌ویژه یک‌جانبه‌گرایی پرهزینه بوش پسر منجر به یک دهه جنگ در خاورمیانه شد. همچنین بحران مالی سال ۲۰۰۸ رکود اقتصادی خطرناکی را باعث شد که امریکا و بسیاری از کشورهای غربی را متوجه آسیب‌پذیری اقتصادی خود کرد. در چنین زمینه‌ای بود که چهار قدرت نوظهور فرصت را برای تسریع در انتقال قدرت مناسب دیدند و در ژوئن ۲۰۰۹ گروه «بریک» را در یکاترینبورگ^۱ روسیه تأسیس کردند که البته با پیوستن آفریقای جنوبی تبدیل به بریکس شد. در واقع اعضای بریکس تصمیم گرفتند با منابع وسیعی که در اختیار دارند، در مقابل نهادهای برتن و وودز^۲ برای خود تشکیلات مستقلی را ایجاد کنند و این مسئله نشان از امکان تغییرات مهمی در اقتصاد بین‌الملل و جابه‌جایی در قدرت بین‌الملل داشت (Ban & Blyth, 2013, pp. 243-244). از بیانیه‌های پایانی اجلاس‌های بریکس پیداست که نظم جدیدی که این گروه در پی آن است، با تأکید بر حقوق بین‌الملل سنتی، عدم مداخله‌گرایی، چندجانبه‌گرایی و مانند آن تفاوت‌های مهمی با «نظم امریکایی» دارد. نظم فعلی آشکارا به سود امریکا/ غرب است و اقتصادهای نوظهور به دنبال ایجاد ترتیبات اقتصادی و سیاسی هستند که به میزان بیشتری بازتاب‌دهنده منافع آنان باشد.

درباره ایران نیز باید که بین اهداف و غایات بلندمدت بریکس و اعضای آن با جمهوری اسلامی ایران تفاوت‌هایی وجود دارد، در حوزه‌های مختلف بین ایران و بریکس همسویی‌هایی هم هست که باعث پدید آمدن فرصت‌هایی می‌شود. در یک تقسیم‌بندی کلان، دو نوع سیاست کلی وجود دارد: کشورهایی که خواهان تغییراتی در وضع موجودند و کشورهایی که خواستار حفظ وضع موجودند؛ و این مسئله تبدیل می‌شود به مبنای همکاری و یا ستیز بین آن‌ها (Palmer, 2006, pp. 2-5). منافع دسته اول در تغییر وضع موجود و منافع دسته دوم در حفظ وضع کنونی است. جهت‌گیری کلان سیاست خارجی ایران برآمده از قانونی اساسی و اصول انقلابی و اسلامی، مبتنی بر تغییر در نظم بین‌المللی موجود است. از سوی دیگر بریکس و اعضای آن، با اهداف و درجات مختلف، در جبهه حامیان تحول در نظم‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی جهان هستند.

درباره موضوع این پژوهش آثار متعددی به زبان لاتین و تاحدودی هم به فارسی وجود دارد که مسئله رقابت بریکس با امریکا را مطرح کرده‌اند که برای پرهیز از اطاله کلام، از بیان آن‌ها خودداری می‌شود. اما در مورد رابطه ایران با بریکس سه مقاله یافت شد. **ولی‌زاده و هوشی‌سادات (۱۳۹۲)** در «ژئوپلیتیک انرژی بریکس جایگاه ایران» معتقدند اقتصادهای نوظهور

1. Yekaterinburg
2. Bretton Woods

بریکس نیاز روزافزونی به منابع انرژی خواهد داشت و ایران در این زمینه می‌تواند نیاز آن‌ها را برآورده کند. **ایزدی و خوشینانی (۱۳۹۴)** در «ائتلاف ناتمام بریکس و نسبت آن با جمهوری اسلامی» بریکس را یکی از نمادهای اقتصاد بین‌المللی چندقطبی می‌دانند و برآن‌اند ایران بر مبنای منافع و نیز ایدئولوژی ضدغربی خود به بریکس روی آورده است. **سعیدی، سعیدی و دهقانی (۱۳۹۳)** نیز در مقاله «امکان‌سنجی ایجاد موافقت‌نامه تجارت ترجیحی ایران با کشورهای بریکس»، ضمن مهم دانستن همکاری ایران با سازمان‌های اقتصادی همچون بریکس معتقدند ایران از طریق ایجاد موافقت‌نامه ترجیحی با بریکس می‌تواند منافع اقتصادی خود را تأمین کند. با توجه به موارد گفته‌شده، سؤال اصلی پژوهش این است که آیا ظهور قدرت‌های نوظهور، و به‌ویژه در قالب گروه بریکس، برای جمهوری اسلامی ایران فرصت‌هایی را به‌وجود می‌آورد. در پاسخ گفته می‌شود ظهور بریکس در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی دارای فرصت‌هایی بالقوه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران است و با همکاری‌های نهادین با این گروه می‌توان از این فرصت‌ها بهره‌مند شد.

۲. چارچوب نظری

در خصوص جابه‌جایی، چرخش قدرت جهان یا انتقال مرکز ثقل قدرت جهانی، بحث‌های متفاوتی در گرفته است. برخی این اتفاق را در آینده نزدیک پیش‌بینی می‌کنند و برخی با تأکید بر دلایلی، این مسئله را به‌زودی محقق نمی‌دانند. فرد زکریا^۳ در کتاب جهان پسا امریکایی^۴ در این باره می‌گوید: ما در حال تجربه سومین جابه‌جایی قدرت در جهان هستیم. اولین جابه‌جایی قدرت در قرن پانزدهم و با قدرت گرفتن کشورهای غربی در دنیا همراه بود. این جابه‌جایی جهانی را که ما اکنون می‌شناسیم، پدید آورد و موجب به وجود آمدن علم و تکنولوژی جدید، تجارت، سرمایه‌داری و انقلاب‌های کشاورزی و صنعتی شد. دومین جابه‌جایی قدرت همچنین به تحمیل اراده سیاسی کشورهای غربی بر دنیا منجر شد که حاصلش قدرتمند شدن آمریکا در جهان بود. در زمان ابرقدرت بودن آمریکا، اقتصاد جهانی رشدی بی‌سابقه را شاهد بود و این رشد نیرویی است که باعث سومین جابه‌جایی قدرت در جهان شده است. از این رو برخی معتقدند معادله جدید قدرت در دنیا بیش از آنکه حاصل کم شدن قدرت آمریکا در سطح جهان باشد، ناشی از قدرت گرفتن دیگر کشورهاست. جهان جدید ناشی از حرکت مثبتی است که در بیست سال اخیر در دنیا شاهد آن بوده‌ایم؛ حرکتی که فضایی صلح‌آمیز و پر از شکوفایی را در جهان خلق کرده است. گبور استینگارت^۵ سردبیر مجله اشپیگل، نیز به این نکته اشاره می‌کند: «جهان دارد آمریکا را پس می‌زند». او و بسیاری دیگر عقیده دارند آمریکا با ازدست دادن صنایع کلیدی دنیا، در بازارهای آسیایی مقروض شده و مردمش پس‌اندازهای خود را ازدست داده‌اند. بحران سال ۲۰۰۸ نیز به ترس از حقیقت داشتن

3. Farid Zakaria

4. *The Post-American World*

5. Gurbo Steingart

چنین ایده‌ای دامن زده بود (Zakaria, 3 may 2008).

درباره انتقال قدرت، چارلز دوران (۱۹۷۰؛ ۱۹۸۹؛ ۱۹۹۱) تئوری چرخه قدرت را به صورت رابطه بین دو پدیده ارائه می‌دهد. او استدلال می‌کند که تغییر در قدرت ملل از الگویی منظم شامل تسلط، بلوغ و افول پیروی می‌کند که بازتاب رقابت نسبی قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل است. هنگامی که کشورها در مسیر خود با وارونگی غیرمنتظره و یا تغییرات زیاد مواجه می‌شوند و انگیزه‌های مختلف روانی یا قضاوت نادرست در آن‌ها زیاد می‌شود، این انگیزه‌های روانی و قضاوت‌های نادرست خطر جنگ‌های بزرگ را افزایش می‌دهد. قدرت‌های بزرگ زیادی که در طول تاریخ، خود را تحت فشار چنین وارونگی غیرمنتظره می‌یافتند، تمایل بیشتری به تبدیل اختلافات به جنگ‌های بزرگ از خود نشان می‌دادند. در واقع تئوری چرخه قدرت روشی برای مقایسه بازیگران دولتی در درون نظام بین‌الملل است که به محاسبه قدرت نسبی آن‌ها به کمک چند شاخص مادی می‌پردازد. سیستمی که در اینجا تعریف می‌شود، تنها شامل قدرت‌های بزرگ است که سیاست‌های بین‌المللی بین آن‌ها حکم فرماست (Kiss-ane, 2005, p. 218). ارگانسکی^۶ هم در کتاب سیاست جهان،^۷ به مسئله چگونگی انتقال قدرت در نظام بین‌الملل پرداخته و بر این باور است که در عرصه جهانی، جابه‌جایی قدرت مسلط با یک قدرت نوظهور همواره با جنگ همراه بوده است. گیلپین^۸ در اثرش جنگ و تغییر در سیاست جهان،^۹ بر این باور است که تغییر در نظام بین‌المللی از طریق جنگ‌های هژمونیک انجام می‌شود. از منظر وی، هنگامی که هژمون مسلط پیشاهنگی در رشد اقتصادی و فناوری را از دست بدهد، در بلندمدت توازن قدرت به نفع هژمون نوظهور تغییر می‌کند و در نتیجه هزینه‌های حفاظت از نظم برای هژمون مسلط افزایش می‌یابد و انتقال قدرت از هژمون مسلط به هژمون نوظهور با توسل به جنگ بزرگ هژمونیک تکمیل می‌شود و سپس هژمون نوظهور در نظام بین‌المللی مسلط می‌گردد و قواعد نظم جدید را سامان می‌بخشد. پال کنیدی^{۱۰} نیز که برای بیش از سه دهه دل‌مشغول بررسی ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ بوده، در کتاب ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ،^{۱۱} اقتصاد سیاسی را برای مطالعه رشد قدرت‌های بزرگ برگزیده است. از منظر وی، تغییرات تکنولوژیکی، دموگرافیکی و رشد اقتصادی سبب‌ساز دگرگونی‌های بزرگ در سیاست بین‌الملل هستند. وی سقوط قدرت‌های بزرگ را ناشی از افزایش تدریجی هزینه‌های اقتصادی و نظامی آن‌ها در فراسوی دریاها می‌داند. ارگانسکی در سیاست جهان در ۱۹۵۸ انتقال قدرت را به جنگ در بین قدرت‌های بزرگ پیوند داده است. به‌باور وی، در دوره‌های انتقال قدرت، احتمال وقوع جنگ‌های بزرگ افزایش می‌یابد. نظریه

6. Organski

7. *World Politics*

8. Gilpin

9. *War and Change in World Politics*

10. Paul Kennedy

11. *The Rise and Fall of the Great Powers*

انتقال قدرت ارگانسکی اساسی برای سایر نظریه‌های انتقال قدرت بوده است. نظریه انتقال قدرت دوران، ثبات هژمونیک کوهن، نظریه پیشوایی هژمونیک گیلیپین و چرخه طولانی رهبری مدلسکی، همگی پس از نظریه انتقال قدرت ارگانسکی مطرح شده‌اند. نظریه انتقال قدرت به‌طور کلی اختلاف در نرخ رشد اقتصادی کشورها را در بلندمدت اساسی‌ترین نیروی تغییر در نظام بین‌المللی می‌داند. با افزایش قدرت یک ملت جدید و نوظهور، سهم هژمون مسلط از قدرت جهانی کاهش می‌یابد و به همان میزان هژمون مسلط به‌چالش گرفته می‌شود و چنین چالشی درنهایت به جنگی بزرگ میان قدرت نوظهور و قدرت مسلط و متحدانش می‌انجامد (سیمبر و بهرامی‌مقدم، ۱۳۹۳، صص. ۸۴).

چارلز کوپچان^{۱۲} در اثر خود به‌نام انتقال در قدرت،^{۱۳} نوع جدیدی از دولت‌ها را شناسایی می‌کند که هرگز وارد جنگ نمی‌شوند و رغبتی به درگیری نظامی نشان نمی‌دهند، مگر آنکه منافع حیاتی آنان مانند تمامیت ارضی‌شان به‌مخاطره افتد. کوپچان این دولت‌ها را دولت‌های خوش‌خیم یا خوش‌نیت^{۱۴} می‌نامد. از این رو کینگ، از اقتصاددانان بانک بین‌المللی HSBC، معتقد است که جهان‌اول در حال از دست دادن کنترل خود بر اقتصادش است و درک درستی از روندهای پیش‌رو ندارد. او اهمیت ظهور کشورهای در حال رشد همانند چین و هند را به‌عنوان قدرت‌های نوظهور متذکر می‌شود و بر این ایده تأکید می‌کند که آفتاب در بخش دیگری از جهان در حال طلوع است. وی همچنین غرب را متهم می‌کند که از تاریخ، سیاست و جغرافیا درس نگرفته و متوجه کمبود منابع نیست؛ زیرا برای دهه‌های متوالی رقیبی برای خود نداشته است. دیوید کالو^{۱۵}، استاد سیاست خارجی روابط بین‌الملل دانشگاه جان هاپکینز، در کتاب خود با عنوان حماقت قدرت: خیال‌پردازی آمریکا در مورد جهان تک‌قطبی^{۱۶} ایده جهان تک‌قطبی مطلوب آمریکا را به‌سبب کثرت، تعدد و پراکندگی کانون‌های قدرت، خیال‌پردازی می‌داند. به‌علاوه هرچا که هژمونی مطرح شود، مقاومت به‌صورت‌های گوناگون بروز می‌کند. به عبارت دیگر، در کنار همکاری با آمریکا، بازیگران قدرتمند الزاماً به رهبری آمریکا تن نمی‌دهند. همچنین باید در نظر داشت تغییراتی که در جهان در دو دهه بعد از پایان جنگ سرد به‌وجود آمده، جدی است و تأثیرات مهمی در ساختار قدرت در نظام بین‌الملل برجای گذاشته است (فرزین‌نیا، ۱۳۸۹، صص. ۷۵).

۳. ظهور بریکس و مسئله انتقال قدرت

پیدایی قدرت‌های نوظهور همچون چین، هند و برزیل و بازگشت روسیه به صحنه بین‌المللی،

12. Charles A. Kupchan

13. *Power in Transition*

14. benign or well meaning government

15. David Kaleo

16. *Stupidity of Power: American Fantasy about the Monopolar World*

سرمشق‌های ژئوپلیتیکی سیاست جهانی را متغیر ساخته و در سیاست‌گذاری بین‌المللی همه بازیگران نظام بین‌الملل بازتاب یافته است. قدرت‌های مذکور و نهادهایی مثل بریکس امروزه یکی از موضوعات اصلی مناظره‌های نظری را در سطوح منطقه‌ای و جهانی تشکیل می‌دهند (سلیمانی‌پور و مولایی، ۱۳۹۲، ص. ۳). بحران اقتصادی ۲۰۰۸ که از بخش املاک و مستغلات امریکا به جهان سرایت کرد، یکی از مهم‌ترین نشانه‌ها در امکان تحول در اقتصاد سیاسی بین‌الملل و یکی از مؤثرترین انگیزه‌ها برای تشکیل بریکس بود؛ چراکه این کشورها کماکان با رشدهای بسیار بالاتری نسبت به غربی‌ها در حال پیشروی بودند. اعضای بریکس با تشکیل گروه مذکور نشان دادند که درصدد هم‌افزایی قدرت خود و قد علم کردن در برابر اجماع واشنگتن هستند (Ban & Blyth, 2013, p. 243). البته پیش از ۲۰۰۸، نیز جنگ عراق و یک‌جانبه‌گرایی امریکا بحث‌های مربوط به تشکیل بریکس را تشدید کرده بود (سنایی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۲، ص. ۳). با وجود این، هرچند زمینه اقتصادی تشکیل بریکس مهم‌تر است، بُعد سیاسی بریکس در سال‌های پیش‌رو اگر بیشتر از بُعد اقتصادی نشده باشد، کمتر نیست.

بریکس و اعضایش در حال حاضر ابرقدرتی و به‌نوعی هژمونی امریکا را پذیرفته‌اند. این مسئله در یکی از سخنان پوتین - نماینده مهم‌ترین طرفدار تغییر در میان اعضای بریکس - مشخص است. پوتین به‌صراحت می‌گوید «امریکا یک قدرت بزرگ است و امروزه شاید تنها ابرقدرت باشد. ما این را می‌پذیریم» (Reuters, 2016). اما مسئله مهم‌تر این است که آیا بریکس و کشورهایی مثل روسیه و چین منافع امنیتی و اقتصادی خود را در حفظ و تحکیم «ابرقدرتی» امریکا و «نظم امریکایی» می‌دانند یا تحول در آن. اگر پاسخ این باشد که بریکس هیچ کاری با نظم فعلی ندارد و به‌دنبال حفظ آن است، هیچ فرصتی در این گروه برای جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد؛ اما اگر این گروه به‌دنبال تغییراتی، کم یا زیاد، در نظم فعلی است، آن‌گاه در حیطه‌های مختلف برای ایران فرصت‌هایی به‌وجود می‌آید. تلالا^{۱۷} می‌گوید: «بریکس آشکارا برای مقابله با تسلط جهانی امریکا تأسیس شد [...] کشورهای بریکس قدرت غیرنظامی‌شان (نه نظامی) را جمع کرده‌اند تا هژمونی جهانی امریکا را از طریق موازنه نرم به‌چالش بکشند» (Kovaeva, 2017, p. 387). کولواوا^{۱۸} در مقاله «بریکس به‌عنوان بدیلی برای هژمونی غربی» می‌نویسد که درمورد اهداف سیاسی و البته بلندمدت بریکس که ارائه بدیلی برای هژمونی غرب و ایجاد جهان چندقطبی است، تردید کمی وجود دارد و تردیدها بیشتر به ابزارها، شیوه‌ها و بازه زمانی است که بریکس می‌خواهد هژمونی امریکا را به‌چالش بکشد (Kovaeva, 2013, p. 87). ایکنبری^{۱۹} معتقد است بریکس در چارچوب نظام موجود تنها درصدد اصلاحاتی در سطح رهبری است. درمقابل عده‌ای بر این باورند بریکس در پی ایجاد تغییراتی انقلابی در مبانی نظم جهانی

17. Tella

18. kovaeva

19. Ikenberry

فعلی است. میرشایمر^{۲۰} این برخورد را ناشی از «گریزناپذیری تراژیک» برخورد قدرت‌های نوظهور و قدرت‌های مستقر می‌داند. با دقت در تاریخ روابط اعضای بریکس روشن می‌شود که حتی نفس تشکیل یک گروه با اعضای فعلی نیز نوعی موفقیت است. برای مثال روسیه همیشه از «خطر زرد»، یعنی چین، در هراس بوده است و این خصومت حتی در جنگ سرد هم که هر دو کشور کمونیستی بودند، تداوم داشت. یا چین و هند دو رقیب مهم یکدیگرند که حتی مشکلات ارضی و امنیتی نیز با هم دارند. از زمانی که اولین دیدار سران بریکس در سال ۲۰۰۹ برگزار شد، بسیاری از ناظران معتقد بودند حتی این جلسه نیز در سال‌های آینده برگزار نشود. اما نه تنها هر سال این نشست برگزار شد، بلکه نشست‌های متعدد دیگری نیز در سطح وزرای خارجه و مالی، رئیس‌های بانک‌های مرکزی، مسئولان آموزش، سلامت، امنیت ملی و نمایندگان تجاری و دانشگاهی برگزار و حوزه‌های همکاری گسترده‌ای نیز مشخص شد. برای مثال در نشست سران سال ۲۰۱۵، این موارد در شمار برنامه‌های بریکس پیشنهاد شد: تأسیس دانشگاه بریکس، انجمن دانشمندان جوان، مدارس زبان آموزی، ایجاد جایگزینی به رهبری بریکس برای سوئیفت (سیستم پیام‌رسان تراکنش‌های مالی واقع در بلژیک) و توافق لغو روآدید برای مسافران تجاری (Lipton, 2017, pp. 51- 53).

نشانه دیگر حاکی از «تحول طلبی» بریکس، سیاست خارجی اعضای مهم بریکس همچون روسیه و چین است؛ مثلاً برخی از دکتربین شی جین‌پینگ که با نام «اندیشه شی جین‌پینگ در باب سوسیالیسم و ویژگی‌های چینی برای عصر جدید»^{۲۱} در نوزدهمین کنگره حزب کمونیست تصویب شد، با عنوان «رؤیای چینی» در برابر «رؤیای امریکایی» یاد می‌کنند. همچنین چین در موارد دیگری، مانند تأسیس «بانک آسیایی سرمایه‌گذاری زیرساختی» و طرح «یک کمربند یک جاده»، نشان داده است که به‌منظور تقویت جایگاه بین‌المللی خود از طریق همکاری با دیگر قدرت‌های نوظهور می‌کوشد. نیز چین در سال ۲۰۱۷ با دعوت از چهار کشور مصر، تاجیکستان، کنیا و مکزیک پیشنهاد «بریکس به‌علاوه»^{۲۲} و گسترش این سازمان را مطرح کرد (Sidiropoulos, 2018). جین‌پینگ در نشست بریکس در ژوهانسبورگ در این باره گفته بود: «ما باید راه‌حلی را برای منازعات جهانی ارائه دهیم و گونه جدیدی از روابط بین‌الملل را ایجاد کنیم. ما باید وحدت‌مان را تقویت کنیم و حلقه دوستانمان را بگسترانیم» (Independent Online, 2018). مسئله مذکور حتی در مورد کشورهای کمتر قدرتمند هند و برزیل مصداق دارد. در این زمینه، برزیل با استفاده از «انکار سرزمینی» تلاش کرده سیطره آمریکا را کمتر کند؛ مثلاً در سال ۲۰۰۳، برزیل با استفاده آمریکا از پایگاه نظامی در آمازون مخالفت نمود و نیز به‌منظور بی‌اثر کردن تلاش آمریکا برای ایجاد تأسیسات نظامی در کلمبیا کوشید. همچنین برزیل در سال ۲۰۰۳، انتقادهای بسیار شدیدی از حمله آمریکا به عراق می‌کرد. آفریقای جنوبی نیز، در

20. Mearsheimer

21. Xi Jinping Thought on Socialism with Chinese Characteristics for a New Era

22. Brics plus

جایگاه «دروازه آفریقا» و کشوری که به‌تنهایی ۲۳ درصد تولید ناخالص داخلی آفریقا را دارد، در سال‌های اخیر برای بسط هژمونی خود در منطقه پیرامونی بسیار کوشیده و با تلاش‌های توسعه‌طلبانه آمریکا همچون «آفریکام» مخالفت کرده و برداشت آن از بریکس، یک سازمان ضدآمریکایی است. در یکی از اسناد «کنگره ملی آفریقا»، یعنی حزب حاکم آفریقای جنوبی، آمده است:

واضح است که تشکیل بریکس یک تصمیم آگاهانه سیاسی برای پس زدن اجماع واشنگتن در دوره پساچنگ جهانی دوم بوده است. تشکیل بانک بریکس و بانک آسیایی سرمایه‌گذاری زیرساختی تأثیر گسترده‌ای بر تحول مسیر نهادهای جهانی همچون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول خواهد داشت (Tella, 2017, p. 339).

۴. فرصت‌های سیاسی و اقتصادی بریکس برای ایران

گرایش اصلی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در برابر سازمان‌ها و پیمان‌های امنیتی - اقتصادی، اصل تعامل حداقلی و همکاری در شرایط اضطرار بوده است. برخی معتقدند سیاست خارجی ایران بر مبنای نه شرقی نه غربی است و چنان‌که امام خمینی (ره) بیان کرده‌اند، «روش ما در سیاست خارجی نه به‌صورت شرقی‌هاست و نه غربی‌ها [...] ما نه با آمریکا کار داریم و نه با شوروی [...] ما می‌خواهیم مستقل باشیم [...] وابستگی به هر شکل سیاسی و اقتصادی‌اش جلوه‌ای از عدم استقلال است» (از غندی، ۱۳۹۱، ص. ۵۲). از این رو به‌نظر این دسته از متفکران، همکاری‌های گسترده با سازمان‌هایی همچون همکاری‌های شانگهای و بریکس مصداقی از سلطه شرق^{۲۳} و خلاف اصول سیاست خارجی است. اما این عده نه‌تنها به تغییرات بین‌المللی پساچنگ سرد و فروپاشی و بی‌مفهومی «شرق» بی‌اعتنا نیستند، بلکه به این نکته نیز توجه نمی‌کنند تنها منع نامشروط تعامل در سیاست خارجی مورد اسرائیل است. از این رو پیشنهاد تعاملات گسترده در سطوح اقتصادی، سیاسی و حتی امنیتی با نهادهایی همچون بریکس و سازمان شانگهای به‌مثابه پیشنهاد پیوستن به پیمان ورشو (در جنگ سرد) و ناتو نیست. مفاهیم هژمونی، یک‌جانبه‌گرایی و مانند آن در ادبیات سیاسی ایران تقریباً معادل استکبار است. همچنین تلاش برای جهت‌دهی نظم جهانی به‌سوی به‌حساب آوردن کشورهای «جنوب» همسو با مفهوم عدالت در سطح جهان در ایران است.

۴-۱. فرصت‌های سیاسی

تأسیس بریکس یکی از مهم‌ترین نشانه‌های وجود اراده برای ایجاد تحول در نظم جهان است. در بیانیه‌ای در اولین نشست بریکس در سال ۲۰۰۹ در یکاترینبورگ روسیه، این مسئله صریحاً مطرح شد که «وزرا تأکیدی دوباره کردند که نظم جهانی امروز باید براساس قاعده حقوق

۲۳. منظور از شرق مجموعه کشورهای است که غربی یا متحدان راهبردی غرب نیستند.

بین‌الملل و تقویت چندجانبه‌گرایی باشد». بریکس با داشتن ۳۰ درصد اراضی جهان، ۴۳ درصد جمعیت جهان، ۲۴ درصد تولید ناخالص جهان، ۱۷،۳ درصد از تجارت کالا در جهان، ۱۲،۷ درصد خدمات تجاری جهان، ۴۵ درصد از تولیدات کشاورزی جهان و ۲۲ درصد از مخارج نظامی جهان، پتانسیل گسترده‌ای برای تحمیل محدودیت بر یک‌جانبه‌گرایی امریکا دارد (Gallarotti, 2016, p. 7).

یکی از مسائل مهم، گرایش «عدم مداخله‌گرایی» بریکس است. موضع بریکس در رابطه با حقوق بین‌الملل موضع «وستفالیایی» و حاکمیت کامل کشورها برخلاف موضع مداخله‌جویی بشردوستانه امریکاست. مداخله در امور داخلی کشورها به بهانه‌های حقوق بشری کاملاً مورد اعتراض بریکس و اعضای آن است. چین و روسیه، هر دو، همیشه مورد انتقاد نهادهای حقوق بشری بوده‌اند. در این زمینه، جلسه اکتبر ۲۰۱۱ شورای امنیت که در آن قطع‌نامه‌ای به پشتیبانی غربی‌ها دربارهٔ محکومیت سوریه به‌دلیل نقض حقوق بشر پیشنهاد شد، حائز اهمیت است. در این جلسه، هر پنج عضو بریکس حضور داشتند که دو عضو دائم و سه عضو غیردائم را تشکیل می‌دادند. روسیه و چین این قطع‌نامه را وتو کردند و برزیل، آفریقا و هند نیز رأی ممتنع دادند. نمایندهٔ آفریقا نیز با رد هرگونه دخالت خارجی، به حمایت از یافتن راه‌حل مسالمت‌آمیز در داخل سوریه پرداخت و از ارسال سلاح و نظامی کردن مسئلهٔ سوریه انتقاد کرد (شیرخانی، بایزیدی و رضازاده، ۱۳۹۳، صص. ۱۱-۲۴). در جلسهٔ سران سال بعد بریکس نیز در دهلی‌نو، از حاکمیت سوریه و موضع طرفداری از اسد دفاع شد. همچنین مسئلهٔ «تغییر رژیم» که از سوی امریکا و غرب دربارهٔ دولت‌های به‌اصطلاح سرکش و ناهمنوا دنبال می‌شود، بارها مورد اعتراض اعضای بریکس بوده است. جیکوب زوما،^{۲۴} رئیس‌جمهور سابق آفریقای جنوبی، (۲۰۱۸-۲۰۰۹) گفته است مسئلهٔ تغییر رژیم «توطئه‌ای امپریالیستی و تهاجمی لیبرالی برای بی‌ثبات کردن آفریقای جنوبی است». سخنگوی کنگرهٔ ملی آفریقا (حزب حاکم آفریقا از دورهٔ آپارتاید به‌بعد) یعنی زیزی کودوا^{۲۵} نیز بیان کرده بود: «عناصری از تغییر رژیم همانند آنچه در لیبی و مصر وجود داشت، در حال ورود به آفریقای جنوبی است و نشست‌های روزانه‌ای در سفارت امریکا با هدف بسیج برای تغییر رژیم است». همچنین دربارهٔ تغییر رژیم، زوما ضمن ستایش نظام سیاسی چین گفته است: «هر کاری که دشمن در آفریقای جنوبی می‌کند، در دیگر کشورهای بریکس نیز انجام می‌دهد» (Lipton, 2017, p. 49).

۱-۱-۴. ایران و فرصت‌های سیاسی بریکس

در بُعد سیاسی، همکاری و عضویت ایران در بریکس یعنی همکاری با جمعیت‌های اول و دوم جهان، سه قدرت هسته‌ای، دو عضو دائم شورای امنیت، وسیع‌ترین کشور جهان، قدرت‌های اول امریکای لاتین و آفریقا، دومین اقتصاد جهان و مزیت‌های بسیار دیگر. هرچند مهم‌ترین

24. Jacob Zuma

25. Zizi Kodwa

مسئله سیاسی مشترک بین ایران و بریکس تکروی و یک‌جانبه‌گرایی امریکاست، حوزه‌های همسویی در مسائل بین‌المللی بسیار متنوع‌تر از این است. اعضای بریکس، غیر از روسیه، عضو اصلی یا ناظر جنبش عدم تعهد هستند. یکی از همسویی‌های مشترک بین ایران و بریکس مخالفت با مسئله «تغییر رژیم» است. همان‌طور که اشاره شد، رهبران بریکس بارها مخالفت خود را با رویکرد غربی‌ها در مورد تغییر رژیم‌های مخالف اعلام کرده‌اند. رویکرد بریکس به بحث ساختارهای سیاسی کشورها، داخلی دانستن و عدم مداخله است. با توجه به تفاوت‌ها و «خاص‌بودگی» دولت ایران و تلاش آمریکا از ابتدای انقلاب (گاهی صریحاً و گاهی تلویحاً) در راستای «تغییر رژیم» در ایران، کشورمان می‌تواند از این فرصت استفاده کند؛ زیرا «تغییر رژیم» و مشروعیت‌زدایی سیاسی مسئله‌ای است که آمریکا حتی در قبال خود اعضای بریکس همچون روسیه و چین هم پیگیری کرده است. موضوع مهم دیگر، اصلاحات در سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه شورای امنیت است. هند (به‌خصوص تحت زعامت مودی) و برزیل دو مورد از محتمل‌ترین گزینه‌های ورود به شورای امنیت هستند.

ورود به هر گروه و ساختار جدیدی ضمن کسب مزایا، محدودیت‌هایی هم برای کشور دارد و بریکس هم از این قاعده مستثنا نیست. مهم‌ترین مزیتش این است که صدای ایران در بریکس بسیار بلندتر خواهد بود؛ زیرا صدای ایران منفرد صدای نیم درصد اقتصاد جهان است، اما صدای ایران در چارچوب بریکس صدای ۲۵ درصد اقتصاد جهان. از سوی دیگر باید به این محدودیت توجه کرد که بریکس بیش از اینکه حاصل «اجماع روسیه» باشد، حاصل «اجماع چین» است و بیانیه‌های پایانی بیشتر لحنی چینی دارد تا روسی. هدف چین نیز مبتنی بر تحول تدریجی است. ایران با به‌تأخیر انداختن مقابله فوری با آمریکا، و با داشتن صبر راهبردی، می‌تواند از طریق تعامل راهبردی با نهادهایی همچون بریکس و شانگهای و به‌کارگیری قدرت آن‌ها، فشارهای آمریکا را کمتر کند. البته این نکته هم مهم است که سازمان‌هایی همچون بریکس و شانگهای نشان داده‌اند نه تنها همچون سازمان‌های ناتو و اتحادیه اروپا به دنبال ادغام امنیتی و اقتصادی اعضای خود نیستند، بلکه اهمیت حق حاکمیت کشورها از اصول آن‌هاست؛ از این رو نباید نگران ازدست رفتن استقلال در سیاست خارجی بود.

پرونده هسته‌ای - مهم‌ترین مسئله سیاست خارجی ایران طی ۱۵ سال اخیر - و مخالفت بریکس با تحریم‌ها و تأیید حقوق هسته‌ای ایران و نیز موضع همسوی ایران و بریکس در بحران سوریه حاکی از جهه واحد ایران و اعضای بریکس در مقابل غرب بود. البته مواضع همسویی‌های ایران و بریکس بسیار بیش از این‌هاست. تجربه سیاست ایران، در مواردی همچون قطع‌نامه‌های شورای امنیت در زمان جنگ تحمیلی و پرونده هسته‌ای، نشان داده است که هرگاه ایران با سازمان‌های بین‌المللی همکاری بهتری داشته، امنیت ملی و منافع اقتصادی و سیاسی این کشور به‌شکل مطلوبی تأمین شده است. در طراحی سیاست خارجی ایران و ابعاد تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، به‌ویژه در دهه اول پس از انقلاب، اصولاً مؤلفه سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی غایب بودند و در چارچوب مطلق‌گرایی و آرمان‌گرایی انقلابی، اغلب

نهادهای بین‌المللی ابزار استکبار تلقی می‌شدند؛ لذا با غیبت کامل ایران نهادهای بین‌المللی یکسره جولانگاه دشمنان بین‌المللی و منطقه‌ای ایران شده بود. رویکرد ایران به سازمان‌ها «ابزارانگارانه» بوده است؛ به این معنا که در نهایت سازمان‌های بین‌المللی ابزار قدرتمندان و پیش‌برنده منافع آنان است. از این منظر، کنشگران دولت‌ها هستند و بقیه بازیگران ابزار آن‌ها (مشیرزاده، ۱۳۹۳، ص. ۸). البته جمهوری اسلامی ایران در بدبینی به نهادهای بین‌المللی محق بوده است؛ چراکه سازمان‌های غرب‌محور فعلی عمدتاً در بحران‌هایی که ایران یک سمت آن بوده است، اصلی بی‌طرفی را رعایت نکرده‌اند و این مسئله در عدم محکومیت تجاوز صدام در قطع‌نامه‌های شورای امنیت آشکار بود (کریمی‌فرد، ۱۳۹۲، صص. ۱۵۰-۱۵۲). با اینکه نباید به این دلایل عطای سازمان‌های بین‌المللی را به لقای آن‌ها بخشید و از حضور فعال در آن‌ها غافل شد، اما باید توجه کرد که بسیاری از سازمان‌های رایج کنونی ساخته آمریکا هستند و در راستای حفظ وضع موجود و فشار بر دولت‌های تحول‌طلب عمل می‌کنند. لذا صرف حضور در نهادهای بین‌المللی نه تنها تضمینی برای تأمین منافع ایران نیست، بلکه در برخی موارد باعث مشروعیت‌بخشی اقدامات خصمانه آن‌ها علیه ایران است.

در حال حاضر، انحصار سازمان‌های غرب‌محور شکسته شده است. اصولاً سازمان‌های بین‌المللی را هم مثل سیاست خارجی کشور می‌توان به دو دسته حافظ وضع موجود و تحول‌طلب تقسیم کرد. از آنجا که بریکس جزو سازمان‌های تحول‌طلب است، ایران آن را در راستای منافع سیاسی خود به کار می‌گیرد. به لحاظ قانونی نیز، نه تنها منعی در اسناد بالادستی برای ممنوعیت همکاری‌های گسترده با بریکس وجود ندارد، بلکه می‌توان ابعادی را در تشویق همکاری با نهادهایی همچون بریکس و اعضای آن یافت.

۲-۴. اقتصادی

برخی از پژوهشگران ظهور بریکس و تقابل آن با اجماع واشنگتن را «برخورد اجماع‌ها» نام نهاده‌اند؛ چراکه بریکس را می‌توان «اجماع پکن» در مقابل اجماع واشنگتن نامید (Ban & Blyth, 2013, p. 248). سهم رو به صعود بریکس در کنار سهم رو به افول آمریکا و غرب از اقتصاد و تجارت بین‌الملل حاکی از آن است که روش‌های اقتصاد کلان بین‌الملل در معرض تحولات جدی است. در بحران مالی ۲۰۰۸، اعتبار بریکس بسیار فزونی گرفت. در فاصله بحران سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱، نرخ رشد کشورهای توسعه‌یافته ۰٫۲۹ درصد بود؛ در حالی که رشد اقتصادهای بریکس ۴٫۸۷ درصد بود. اقتصادهای بریکس نقش موتور رهایی جهان از بحران و رکود اقتصادی را ایفا کردند و این مسئله باعث شد که نشان دهد بریکس آن‌قدر توانایی دارد که بتواند جهان را از مهم‌ترین بحران اقتصادی، بعد از بحران دهه ۱۹۳۰، برهاند (Badar Aalm, 2015, p. 117). اما نظم جهانی اقتصادی کنونی به گونه‌ای است که بیشتر به نفع آمریکا و غرب است تا اقتصادهای نوظهور بریکس و این مسئله را می‌توان با مثالی نشان داد. با وجود تمام منابعی که برای بریکس اشاره شد، اعضای آن ۱۱ درصد رأی را در صندوق بین‌المللی پول

دارند؛ در حالی که امریکا به تنهایی ۱۷ درصد سهم را داراست. به عبارت دیگر، در چارچوب نهادهای برتن وودز، اعضای بریکس نقش مهمی در مدیریت اقتصاد بین‌الملل ندارند. در **جدول ۱**، سه شاخص اقتصادی اعضای بریکس در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ مقایسه شده که به لحاظ آینده‌پژوهی، روند اقتصاد بین‌الملل نشان می‌دهد که ضمن اینکه بریکس در حال حاضر یک سازمان مهم اقتصادی است، در آینده نقش بسیار مهم‌تری را ایفا خواهد کرد.

جدول ۱. مقایسه نقش بریکس در اقتصاد جهانی در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰

بریکس	۲۰۰۰	۲۰۱۰
سهم از صادرات جهان	۶٫۹٪	۱۶٫۵٪
سهم از تولید ناخالص داخلی جهان	۸٫۴٪	۱۹٫۲٪
سهم از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۵٫۳٪	۱۷٫۸٪

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

(منبع: ibid.)

اعضای بریکس همیشه به تسلط غربی‌ها بر نهادهای مالی جهان، به‌ویژه ساختار رأی‌گیری آن‌ها، معترض بودند و معمولاً به رهبران انتخاب‌شده برای صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی اعتراض می‌کردند. در این راستا بریکس در سال ۲۰۱۵ «بانک جدید توسعه» و چارچوب «مدیریت ذخایر احتمالی بریکس»^{۲۶} را بنیان نهاد. این نهادها را مهم‌ترین رقبای صندوق بین‌المللی پول و نهادهای مالی غربی دانسته‌اند. «بانک جدید توسعه»ی بریکس از مدت زمان کوتاه پایه‌گذاری خود، توجه بسیاری از کشورهای محلی را به خود جلب کرده است و بسیاری نیز به دریافت وام و اعتبارات از این سازمان اقدام کرده‌اند. یکی از موارد جذاب برای کشورها این است که «بانک جدید توسعه» در ازای قرض دادن پول، هیچ‌گونه مدل اقتصادی و سیاسی را برخلاف همتایان غربی خود - به کشورهای قرض‌گیرنده تحمیل نمی‌کند. بانک جدید توسعه سهم چشمگیری در تضعیف صندوق بین‌المللی پول و سلامت اقتصاد جهانی به‌واسطه تسهیل انتقال به قطب‌های جدید رشد و تقاضا، کمک به سرمایه‌گذاری‌ها و استفاده از نقدینگی در بخش تولید دارد (جعفری و فلاح، ۱۳۹۷، صص. ۱۳-۱۵). تقابل اقتصادی بریکس و امریکا به‌ویژه با روی کار آمدن ترامپ و ایجاد مشکلات تجاری مخصوصاً برای چین شدیدتر شده است. پس از اعلام رئیس‌جمهور امریکا مبنی بر اینکه این کشور آماده است تا ۵۰۰ میلیارد دلار تعرفه علیه چین وضع و از صنایع داخلی امریکا «حمایت» کند، وزارت مالی چین اعلام کرده است: «کشورهای بریکس تعهد کرده‌اند با حمایت‌گرایی تجاری به مبارزه برخیزند». همچنین لیو

26. BRICS Contingent Reserve Arrangement

کان،^{۲۷} وزیر امور مالی چین، گفته بود: «بریکس باید قاطعانه نسبت به جهانی شدن اقتصاد و چندجانبه‌گرایی رویکرد حمایتی داشته باشد و صریحاً با یک‌جانبه‌گرایی در هر شکلی مخالفت کند» (The Times of India, 2018).

۱-۲-۴. ایران و فرصت‌های اقتصادی بریکس

ایران با وجود مشکلات اقتصادی، همچون دیگر اعضای بریکس، اقتصادی در حال ظهور است. طی بازه زمانی بیست‌ساله، ارتقای اعضای بریکس در تولید ناخالص جهان به این شرح است:

جدول ۲. مقایسه پیشرفت اقتصاد پنج کشور بریکس در جهان با ایران در سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۷

کشور	۱۹۹۷	۲۰۱۷	میزان صعود
چین	۷	۲	۵ پله
برزیل	۸	۸	ثابت
هند	۱۳	۶	۷ پله
روسیه	۱۴	۱۲	۲ پله
آفریقای جنوبی	۳۱	۳۳	۲- پله
ایران	۳۶	۲۷	۹ پله

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

(منبع: Classora Knowledge Base, 2018)

ایران به‌رغم همهٔ تحریم‌ها و مشکلات، با ۹ پله صعود در اقتصاد جهانی، از همهٔ اعضای دیگر بریکس «ظهور» بیشتری داشته است. این در حالی است که برای مثال جایگاه برزیل در این مدت ثابت بوده و آفریقای جنوبی حتی افول هم داشته است. به هر حال، ایران در «عصر سازمان‌ها» نمی‌تواند اقتصاد خود را بدون توجه به سازمان‌ها و بلوک‌های اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی توسعه دهد. بیش از نیمی از تجارت جهانی از طریق بلوک‌های تجاری انجام می‌شود. در حوزهٔ منطقه‌ای، ضمن اهمیت همکاری با بلوک‌های همسایه (که در برخی ایران عضو است و در برخی نیست) همچون اتحادیهٔ عرب، سازمان همکاری اقتصادی، دی‌هشت، سازمان همکاری‌های اسلامی، شورای همکاری خلیج فارس و مانند آن، باید گفت کشورهای مذکور عمدتاً به‌لحاظ اقتصادی هم‌سطح ایران یا عرضه‌کنندهٔ مواد خام هستند و لذا فرصت‌های چندانی در اختیار ایران نخواهند گذاشت. دست ایران از همکاری با بلوک‌های تجاری غربی نیز نسبتاً کوتاه است. از این رو با گسترش همکاری‌های مالی و اقتصادی با بریکس از طریق موافقت‌نامه‌های ترجیحی و مانند آن می‌تواند بسیاری از نیازهای مالی و

27. Liu Kun

تکنولوژیک خود را برآورده کند (سعیدی، سعیدی و دهقانی، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۹).

یکی از مزایایی که هم‌گرایی با بریکس در حوزه سیاست خارجی برای ایران دارد، سرمایه‌گذاری‌های خارجی است. در برنامه ششم توسعه، برای تأمین حداقل ۲،۸ درصد از رشد ۸ درصدی و سرمایه‌گذاری متوسط سالانه ۲۱،۴ درصد، دولت موظف شده است جهت‌گیری‌های خود را در سیاست خارجی در راستای تأمین مالی خارجی به‌کار گیرد. البته در بند تبصره ماده چهارم آمده است:

جذب شرکت‌های معتبر جهانی و منطقه‌ای در زنجیره تولید داخلی به‌شکل مستقیم و با اولویت مشارکت با سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان داخلی به‌منظور افزایش توانمندی، رقابت‌پذیری و صادرات کالاها و خدمات تولیدی با رفع موانع قانونی و حقوقی براساس عزت، حکمت و مصلحت و مشروط به عدم نفوذ فرهنگ غربی.

توجه به این بند از این جهت مهم است که قانون‌گذار تأکید کرده که باید شرکت‌های معتبر و صاحب فناوری را جذب کرد، اما در عین حال از خطر نفوذ «غربی» هم سخن گفته است. در این زمینه، چین نقش مهمی خواهد داشت؛ زیرا در سال‌های اخیر در این زمینه بسیار فعال بوده است. در سال ۲۰۰۷، سهم چین از سرمایه‌گذاری‌های خارجی جهان ۴ درصد بوده؛ ولی این رقم در سال ۲۰۱۶، به ۱۷ درصد افزایش یافته است (the diplomat, 2017). ایران یکی از اعضای مؤسس «بانک آسیایی سرمایه‌گذاری زیرساختی» (بانک مورد حمایت چین که مقر آن هم در پکن است) به‌شمار می‌رود و بزرگ‌ترین شریک تجاری آن نیز چین است. در سال ۲۰۱۶، سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های چینی در ایران ۴۳ درصد رشد داشته است و شرکت‌های چینی از اواخر سال ۱۳۹۲ تا دی ۱۳۹۶ نزدیک به ۲۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم در ایران انجام داده‌اند؛ در حالی که این سرمایه‌گذاری از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۲ فقط ۱۱۰ میلیون دلار بوده است (عصر بازار، ۱۳۹۶). نکته مهم این است که در جذب سرمایه‌گذاری خارجی علاوه‌بر عواملی همچون امنیت سرمایه‌گذاری، قوانین ارزی، عدالت ساختار اقتصادی، قوانین سرمایه‌گذاری و غیره، عامل سیاسی نیز نقش مهمی دارد و عضویت در سازمان‌هایی همچون شانگهای و بریکس یکی از راهکارهای تسریع سرمایه‌گذاری خارجی بدون خطر «نفوذ غربی» است.

ظرفیت اقتصادی دیگر بریکس به‌ویژه در فضای پس‌اوج و تحریم‌های امریکا این است که ایران با همکاری با بریکس می‌تواند روزهایی برای رهایی از تحریم‌ها بیابد. یکی از برنامه‌های جدی بریکس کاهش وابستگی اعضا به ارزهای دلار و یورو است. در نشست رهبران بریکس که در شیان چین در سپتامبر ۲۰۱۷ برگزار شد، اعضای بریکس تصمیم گرفتند صندوق اوراق بهادار از ارزهای ملی ایجاد کنند. همچنین در بیانیه پایانی ذکر شد: «ما توافق کردیم تا با همکاری ارزی، منطبق با قواعد بانک‌های مرکزی هر کشوری، از طریق اقداماتی همچون سواپ ارزی، پرداخت با پول محلی و سرمایه‌گذاری مستقیم با پول محلی را ارتقا دهیم»

(Badar Aalm, 2015, p. 117). از این رو ایران با توجه به مخالفت بریکس با تحریم‌های امریکا می‌تواند در قالب همکاری با بریکس، چشم‌اندازی برای ورود به اقتصادهای بریکس و رهایی از «دنیای دلار» داشته باشد. در این باره میخائیل کالوگین، رئیس بخش بریکس وزارت خارجه روسیه، در مه ۲۰۱۸ گفته است که اعضای بریکس روابط «کاملاً توسعه‌یافته‌ای» با ایران دارند و بریکس مخالف تحریم‌های یک‌جانبه امریکا علیه ایران است و مسئله ایران «موضوع مهمی» است که در نشست وزرای بریکس و اقداماتی که در این رابطه باید انجام شود بحث خواهد شد (Rusreality, 2018).

زمینه دیگر همکاری موضوع انرژی است. نزدیک به ۴۵ درصد از واردات نفت چین از خاورمیانه صورت می‌گیرد و ایران دومین صادرکننده بزرگ نفت به چین پس از عربستان است و ۸ درصد از نفت و مشتقات نفت و گاز چین را ایران تأمین می‌کند. ایران همچنین از بزرگ‌ترین عرضه‌کنندگان نفت به هند به‌شمار می‌رود (ایزدی و خوشیانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۵). تقاضای فزاینده دو قدرت بزرگ اقتصاد آسیا، ایران را به بازیگر و شریک مهمی برای بریکس تبدیل کرده است. همچنین ایران تنها نقطه اتصال مناطق آسیای مرکزی و قفقاز، آسیای جنوبی، خلیج فارس و جهان عرب محسوب می‌شود و بهترین مسیر ارتباطی شبه‌قاره هند به دریای مدیترانه به‌لحاظ ژئواکونومیک نیز برای بریکس و «امنیت عرضه»ی انرژی است و البته با همکاری نهادینه‌شده می‌تواند «امنیت تقاضا»ی انرژی خود را نیز تضمین کند. درواقع ایران با پیوند زدن منافع خود به امنیت انرژی مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی بریکس، می‌تواند درجهت تأمین منافع اقتصادی و امنیت ملی خود گام بردارد (مختاری هشی، ۱۳۸۹، صص. ۹۵-۱۲۴). به‌موازات نیاز ایران، کشورهای نوظهور اقتصادی نیز به‌فراخور نیاز برای تداوم رشد اقتصادی خود، در پی یافتن شرکای استراتژیک انرژی مطمئن و قابل اتکایی هستند. بنابراین ایران با «دیپلماسی انرژی» قوی می‌تواند همکاری‌های سودمند، امن و بلندمدتی را با حوزه بریکس به‌وجود آورد.

اصولاً مبنای گسترش روابط ایران با کشورهای هم‌چون چین و روسیه، براساس نگاه به شرق، در دولت نهم ایران عوامل سیاسی بود؛ چراکه تنش‌های ایران و غرب به‌ویژه در موضوع پرونده هسته‌ای ایران را بیشتر به‌سمت کشورهای بزرگ غیرغربی کشاند (سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۴، ص. ۸). گسترش روابط سیاسی با نهادهایی همچون بریکس و شانگهای و اعضای آن نه تنها ناپایدار، بلکه خطرناک است و این مسئله در تجربه ۳۰۰ اس و تأخیر روسیه در تحویل آن آشکار شد. از این رو «پناه بردن» به بریکس و اعضای آن برای خنثی‌سازی تهدیدات غرب فقط باعث بیشتر شدن فرصت امتیازگیری و سوءاستفاده گروه‌هایی همچون بریکس و سازمان شانگهای می‌شود. رویکرد بهتر آن است که جمهوری اسلامی ایران به‌طور تدریجی و با متقابل ساختن وابستگی در چارچوب همکاری‌های اقتصادی جنوب - جنوب، به‌ویژه در بُعد تجاری و اقتصادی، از موضعی مقتدر و مستقل وارد گروه‌هایی همچون بریکس گردد و از مزایای آن بهره‌مند شود.

۵. راهکارهای بهره‌مندی بهتر ایران از بریکس

۱. تأکید بر تجدیدنظرطلبی اصلاح‌طلبانه: جهت‌گیری کلی بریکس مبتنی بر تجدیدنظرطلبی گام‌به‌گام و مسالمت‌جویانه از طریق اصلاح ساختارهای حقوقی، اقتصادی و هنجاری کنونی است. این موضع بریکس آن را هم از غربی‌ها که حافظ وضع موجود هستند جدا می‌کند و هم از انقلاب‌گرایانی که خواهان تغییر فوری نظام ناعادلانه فوری بین‌المللی هستند. در سیاست خارجی ایران نیز دو نوع رویکرد تجدیدنظرطلبی انقلابی و اصلاح‌طلبانه در قبال نظم موجود بین‌المللی وجود دارد. هرگاه ایران بر نوع اصلاح‌طلبی آن تأکید می‌کند، گفتمانش نزدیک به گفتمان بریکس می‌شود و این مسئله به گرایش بیشتر بریکس به تعامل با ایران می‌انجامد و هرگاه بر نوع انقلابی آن تمرکز می‌کند، موجب واگرایی و فاصله بیشتر بریکس و اعضای آن می‌شود.

۲. تلاش برای رهایی از تحریم‌ها: با اینکه بریکس اصولاً در راستای پروژه انتقال قدرت و کنشگری بیشتر قدرت‌های نوظهور در اقتصاد و سیاست بین‌الملل تعریف شده است، اعضای آن در سال‌های اخیر همگی به سمت آزادسازی اقتصادی و راهبرد درهای باز حرکت کرده‌اند؛ ضمن اینکه کشورهای مذکور سالیانه صدها میلیارد دلار با کشورهای اروپایی و آمریکا تجارت دارند. تجربه نیز نشان داده است هرگاه ایران تحت فشار تحریم‌های کمتری قرار داشته است، کشورهای عضو بریکس اشتیاق بیشتری برای تعامل با ایران داشته‌اند. برای مثال ایران در اواخر دولت اصلاحات درخواست عضویت ناظر در سازمان همکاری شانگهای را - که سه عضو مهم بریکس یعنی روسیه، چین و هند اعضای اصلی آن هستند - داد و در سال ۲۰۰۵ با عضویت ناظر ایران موافقت شد؛ اما وقتی که در مارس ۲۰۰۸ درخواست عضویت دائم داد، با شدت‌گیری تحریم‌ها در پرونده هسته‌ای، شانگهای در بیانیه‌ای اعلام کرد که این سازمان کشورهای تحت تحریم سازمان ملل را به عضویت نمی‌پذیرد. این درحالی است که با برداشته شدن تحریم‌ها پس از امضای برجام، سازمان شانگهای دوباره ابراز علاقه به پیوستن ایران به این سازمان کرد، به‌صورتی که در سفر شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، به ایران دو کشور توافق کردند که سطح مبادلات تجاری را در ۱۰ سال آینده به ۶۰۰ میلیارد دلار برسانند و در چارچوب یک سند جامع ۲۵ ساله همکاری‌های خود را در سطح مختلف توسعه دهند (the bricspost, 2016). هرچند این امر در دوره ترامپ و خروج آمریکا از برجام دشوار می‌نماید، به‌طور کلی چشم‌انداز همکاری‌های گسترده با بریکس بدون تحریم بسیار بیشتر از شرایط تحریم است. لذا در همکاری با بریکس، جهت‌گیری کلی باید تلاش برای رفع تحریم‌ها باشد.

۳. تقویت پیوندهای اقتصادی با اروپا: این مسئله اول اینکه، باعث حفظ توازن و عدم وابستگی به اعضای بریکس می‌شود. دوم اینکه، اتحادیه اروپا اولین و بزرگ‌ترین شرکای تجاری چین و روسیه هستند و در سال ۲۰۱۶، هند، چین و روسیه به ترتیب ۵۱۳، ۷۶ و ۱۹۱ میلیارد دلار با اتحادیه اروپا شراکت تجاری داشته‌اند؛ بنابراین اقتصاد اعضای بریکس و اروپا گره خورده

است. در این شرایط چنانچه ایران تحت تحریم اتحادیه اروپا باشد، گرایش کشورهای بریکس به همکاری با ایران کمتر می‌شود؛ اما اگر ایران در کنار بریکس، تعاملات گسترده‌ای هم با اتحادیه اروپا داشته باشد، می‌تواند با یکپارچه کردن موضع بریکس و اتحادیه اروپا، از فشارها و تحریم‌های امریکا بکاهد.

۴. نظام‌مند کردن نگاه به شرق: واقعیت این است که بریکس هنوز به‌خودی‌خود سازمانی جاافتاده با اساس‌نامه و دبیرخانه مشخصی نیست؛ لذا همکاری با بریکس باید ذیل راهبرد نگاه به شرق قرار گیرد. نظام‌مند کردن سیاست نگاه به شرق در واقع چیزی نیست جز تأیید روندهای عینی و واقعی سیاست خارجی ایران در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و حتی امنیتی. برای مثال در سال ۲۰۱۷، فقط میزان مبادله با دو کشور هند (۱۳٫۷ میلیارد دلار) و چین (۳۷ میلیارد دلار) حدود ۵۱ میلیارد دلار بوده؛ حال آنکه در این سال، مجموعه مبادلات تجاری میان ایران و ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا ۲۱ میلیارد دلار بوده است. درباره روسیه هم که روابط سیاسی و امنیتی از روابط اقتصادی اهمیت بیشتری دارد، سطح روابط در سال‌های اخیر گسترش زیادی یافته است. در سطح سیاسی، میزان سفرهای مقامات عالی‌رتبه سیاسی و امنیتی ایران به روسیه و نیز دیدارهای چندجانبه، به‌عنوان شاخص مهمی برای سنجش روابط سیاسی، به میزان زیادی افزایش داشته است. در حوزه روابط امنیتی نیز، پیوندهای دو کشور به‌طور بی‌سابقه‌ای رو به فزونی بوده؛ تا جایی که روسیه در مرداد ۱۳۹۵ از پایگاه هوایی نوژه همدان برای حمله به مواضع داعش استفاده کرد.

منظور از نظام‌مند کردن سیاست نگاه به شرق این است که باینکه ایران عملاً از اوایل دهه ۱۳۸۰ در ابعاد اقتصادی، سیاسی و امنیتی در سیاست خارجی خود رویکرد نگاه به شرق را اتخاذ کرده، هنوز در هیچ سند رسمی‌ای این رویکرد، یعنی گسترش همکاری‌های بسیار گسترده و از برخی مناظر راهبردی، نیامده و تبیین نشده است (سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۴، ص. ۱۷) و به‌نظر می‌رسد در سطح کلان هنوز این رویکرد به‌نوعی انکار و کتمان می‌شود؛ چنان‌که ظریف، وزیر خارجه ایران، گفته است: «دنیا عوض شده و غرب مرکز عالم نیست؛ بنابراین سیاست نگاه به شرق معنی نمی‌دهد؛ همان‌طور که سیاست نگاه به غرب هم معنی نمی‌دهد» (ایران پرس، ۱۳۹۷). ممکن است منظور وزیر خارجه نقد رویکرد داخلی در مورد نگاه به شرق باشد؛ اما اگر منظور وی این است که ایران سیاست نگاه به شرق را دنبال نمی‌کند، باید گفت براساس آمار و عملکرد اقتصادی و سیاسی، ایران از اواسط دهه ۱۳۸۰ و پس از تشدید فشارها و تحریم‌های غربی، سیاست نگاه به شرق را درپیش گرفته است. لذا مستند و نهادینه کردن راهبرد نگاه به شرق موجب ابهام‌زدایی از سیاست خارجی و پرهیز از اتلاف سرمایه‌های سیاسی می‌شود. البته همان‌طور که در موارد قبل آمد، نگاه به شرق و همکاری با بریکس به‌معنای ائتلاف کامل امنیتی با کشورهای به‌اصطلاح شرق و قطع روابط با غرب و به‌ویژه اروپا نیست؛ بلکه راهبرد نگاه به شرق باید در راستای همکاری با کشورهای غربی باشد. هرچند در راهبرد نگاه به شرق، سنگینی کفه جهت‌گیری سیاست خارجی ایران

به‌سوی کشورهای شرق است.

۵. عمل‌گرایی در عرصه دیپلماسی: دیپلماسی ابزار اجرای سیاست خارجی است. در عرصه سیاست خارجی اهداف بلند که عمدتاً شامل آرمان‌ها و آرزوها می‌شود، نیز وجود دارد؛ اما دیپلماسی به‌منزله کنشی عمل‌گرایانه بیشتر معطوف به راهکارهای عمل‌گرایانه برای دستیابی به اهداف میان‌مدت و کوتاه‌مدت است. در اهداف بلندمدت ایران و بریکس، تناسب و همسویی وجود ندارد؛ چراکه در این حیطه تأکید ایران بر مواردی همچون مبارزه با استکبار، نفی انقلابی نظام بین‌الملل ناعادلانه، وحدت جهان اسلام و مانند آن است که البته موارد مذکور نه‌تنها جذابیتی برای بریکس ندارد، بلکه مواردی مانند جنبش‌ها و حقوق مسلمانان تهدید مستقیمی برای کشورهای همچون چین، هند و روسیه است که دارای اقلیت‌های گسترده اسلامی هستند. اما درعین حال در سطح اهداف میان‌مدت و کوتاه‌مدت، موارد مشترک و همسویانه بسیاری هست؛ مانند چندجانبه‌گرایی، احترام به حاکمیت و استقلال، نفی مداخلات به‌اصطلاح بشردوستانه، اصلاح ساختارهای سازمان‌های بین‌المللی و غیره. البته این مسئله به‌معنای دست‌کشیدن از اهداف و آرمان‌های انقلابی و اسلامی و نفی آن‌ها نیست؛ بلکه به مفهوم اولویت‌بندی پیگیری اهداف سیاست خارجی ذیل فشارهای امریکاست. برای مثال تأکید بر آرمان محور رژیم صهیونیستی در دیپلماسی و مواضع روزانه، مسئله‌ای است که همیشه موجب مخالفت بریکس و اعضای آن و متحد شدن موضع بریکس و غربی‌ها شده است. پس از موضع‌گیری دوباره ایران مبنی بر محور اسرائیل، لاوروف وزیر خارجه روسیه در فوریه ۲۰۱۸ بیان کرد: «بارها گفته‌ایم اظهارنظرهایی را درمورد اینکه اسرائیل، به‌عنوان یک دولت صهیونیستی، باید نابود و از روی نقشه محو شود، نمی‌پذیریم و باور داریم این اظهارنظرها یک راه مطلقاً اشتباه برای پیشبرد منافع است» (tass, 2018). تأکید زیاد بر چنین موضعی منجر شد چین و روسیه به هفت قطع‌نامه شورای امنیت علیه ایران، یعنی از قطع‌نامه ۱۶۹۶ در سال ۲۰۰۶ تا قطع‌نامه ۱۹۸۴ در سال ۲۰۱۱، رأی مثبت دهند. حال آنکه این روند از سال ۲۰۱۳ تغییر کرد و این مسئله حاکی از اهمیت شیوه پیشبرد دیپلماسی در مواضع اعضای بریکس است.

۶. پافشاری بر اولویت اقتصاد در تعامل با بریکس: دلیل اولیه گرایش ایران به همکاری‌های گسترده با بریکس تحریم‌ها و فشارهای غربی‌ها در پرونده هسته‌ای بود؛ لذا دلیل اصلی، سیاسی بود. اما در حال حاضر و با کاهش یک‌پارچگی اروپا و امریکا و کمتر شدن تهدیدات امنیتی و سیاسی می‌توان بر مسائل اقتصادی نیز تمرکز کرد. ضمن اینکه رویکرد عمده اعضای بریکس در حوزه سیاست خارجی منافع اقتصادی و پرهیز تقابل‌های فوری و مستقیم سیاسی با امریکاست. البته از طریق تعامل^{۲۸} اقتصادی می‌توان به تعامل سیاسی هم دست یافت. به عبارت دیگر، گره خوردن منافع اقتصادی ایران با بریکس منجر به حمایت‌های سیاسی بیشتر بریکس از ایران خواهد شد.

۷. جهت‌گیری بیشتر دیپلماسی اقتصادی به سوی کشورهای بریکس: از طرق مختلفی می‌توان همکاری‌های اقتصادی بریکس را افزایش داد؛ مثلاً از طریق اتاق‌های بازرگانی کشورهای بریکس و به‌ویژه اتاق بازرگانی چین و هند. این اتاق‌ها که دارای دانش تخصصی از ظرفیت‌های اقتصادی در بخش‌های بازرگانی، صنعتی، معدنی و خدماتی و نیز قوانین و مقررات تجاری کشورهای مبدأ و مقصد هستند، می‌توانند از طریق ارائه اطلاعات، ارتباط با تصمیم‌گیران اقتصادی دو کشور، ایجاد زمینه‌های سرمایه‌گذاری و غیره باعث افزایش تعاملات اقتصادی ایران و اعضای بریکس شوند.

۸. پر کردن اختلاف بین ریسک واقعی و ریسک روانی سرمایه‌گذاری در ایران: در عالم واقع، ایران یکی از امن‌ترین کشورهای جهان است. اما تحت تأثیر تحریم و تبلیغ‌های خارجی، ریسک روانی سرمایه‌گذاری در ایران بسیار بالاست. شرکت‌های اعتبارسنجی مهم همچون استاندارد اند پورز،^{۲۹} مودیز^{۳۰} و فیچ ریتینگز^{۳۱} یا اصلاً اطلاعاتی در مورد ایران نمی‌دهند یا ایران را جزو پرخطرترین کشورها به لحاظ ریسک اعتباری معرفی می‌کنند؛ مثلاً شرکت فرانسوی خدمات مالی اولیور هرمس^{۳۲} ریسک کشور ایران را در گروه «ریسک بالا» و با امتیازی حتی پایین‌تر از کشورهایی همچون ایتالیایی و ژیمباوه معرفی می‌کند (Eulerhermes, 2018). در این زمینه، دیپلماسی رسانه‌ای حائز اهمیت است و رسانه‌های ایرانی انگلیسی‌زبان همچون ایران دیلی، تهران تایمز، کیهان اینترنشنال، اطلاعات اینترنشنال و رادیو انگلیسی پرس تی‌وی نقش مهمی دارند. آسپیی که در این زمینه مشاهده می‌شود این است که نه‌تنها هیچ رسانه تخصصی منحصراً اقتصادی انگلیسی وجود ندارد، بلکه جهت‌گیری عمده رسانه‌های موجود مباحث سیاسی، فرهنگی و مذهبی - فقهی است؛ به طوری که بسیاری از فعالان اقتصادی کشورهای دیگر اطلاعات اقتصادی خود را از رسانه‌های اقتصادی غیرایرانی همچون رویترز می‌گیرند.

۹. بسط همکاری‌های هسته‌ای با اعضای بریکس: به نظر نمی‌رسد با تلاش‌های امریکا و رژیم صهیونیستی، ایران به راحتی از عواقب امنیتی پرونده هسته‌ای عبور کند. همکاری‌های هسته‌ای با اعضای بریکس و به‌ویژه چین و روسیه منجر به پیوند منافع این دو کشور با بخش هسته‌ای و در نتیجه حمایت بیشتر آنان از ایران هسته‌ای می‌شود. یکی از تعلل‌های مهمی که در بازه حدوداً سه‌ساله امضای برجام تا خروج امریکا از آن صورت گرفت، در حوزه همکاری هسته‌ای با روسیه و چین بوده است. رؤسای سازمان‌های انرژی اتمی روسیه و چین، الکسی لیخچوف و ژانگ کجیان، بارها از گرایش توسعه همکاری هسته‌ای با ایران صحبت کرده بودند. به هر ترتیب، جذب و پیوند منافع اعضای بریکس به بخش هسته‌ای ایران موجب تقویت

29. Standard and Poor's

30. Moody's

31. Fitch Ratings

32. Euler Hermes

موضع هسته‌ای ایران خواهد شد.

۱۰. تأکید بر مواضع راهبردی بریکس: پافشاری بر اهداف راهبردی اعضای بریکس به‌ویژه در مسائلی همچون چندجانبه‌گرایی و چندقطبی‌گرایی در مقابل یک‌جانبه‌گرایی و تک‌قطبی‌گرایی امریکا، هم موجب تقویت و مشروعیت‌افزایی موضع ایران در مورد مقاومت در برابر یک‌جانبه‌گرایی‌ها و فشارهای امریکا می‌شود و هم زمینه‌مناسبی است برای همکاری‌های راهبردی و بیشتر با بریکس. این مسئله در سال‌های اخیر مورد توجه تصمیم‌گیران ایرانی، از جمله ظریف و وزیر خارجه فعلی، بوده است. اصولاً دکتر ظریف مانند غالب دانش‌پژوهان روابط بین‌الملل - چنان‌که در فصل هفتم کتاب خود دوران گذار روابط بین‌الملل در جهان پس‌اگرایی می‌نویسد - معتقد است تحول و جابه‌جایی قدرت در نظام بین‌الملل موجب تضعیف ژئوپلیتیک آتلانتیک‌محور و تقویت ژئوپلیتیک پاسیفیک و انتقال تدریجی کانون قدرت اقتصادی جهان از حوزه اقیانوس اطلس به اقیانوس آرام شده است. ظریف در مواضع رسمی خود نیز بارها به این مسئله اشاره کرده است.

۶. نتیجه‌گیری

آینده قدرت به میزان زیادی از سمت کشورهای غربی به قطب‌های جدیدی، همچون کشورهای شرق آسیا و نیز قدرت‌های نوظهور، انتقال خواهد یافت. در حال حاضر، این مسئله در بُعد اقتصادی بسیار محقق شده است و در آینده نیز، با توجه به نرخ رشد قدرت‌های در حال ظهور، افزون‌تر نیز خواهد شد. در بُعد سیاسی نیز، قدرت‌های در حال ظهور با هم‌گرا کردن سیاست‌های خود از طریق روابط دوجانبه و چندجانبه در صدد برآمده‌اند کنشگری بیشتری را در عرصه سیاست بین‌الملل از خود نشان دهند. یکی از مصادیق این اراده سیاسی تشکیل بریکس بوده است. پیش از هر چیز نیاز کشورمان به حفظ امنیت در مقابل تهدیدهای خارجی، همکاری راهبردی ایران با گروه بریکس را توجیه می‌کند. این عضویت می‌تواند در نهایت ایران را با چین، روسیه، هند، برزیل و حتی آفریقای جنوبی متحد کند؛ سناریویی که از قدرت تهدید امریکا علیه ایران می‌کاهد و در عین حال به کمرنگ شدن قدرت امریکا در خلیج فارس و خاورمیانه منجر خواهد شد. به عبارت دیگر، با تقویت پیوندهای سیاسی و اقتصادی ایران با اعضای بریکس، خصوصاً چین و روسیه، منافع این کشورها به هم گره می‌خورد و در نتیجه روسیه و چین را وامی‌دارد به اختلال‌های متخاصم خارجی که منجر به برهم زدن ثبات در ایران می‌شود، بی‌تفاوت نمانند. در مجموع همکاری‌های فزاینده چین و روسیه و تمایل آن‌ها به مقابله با نفوذ امریکا در خاورمیانه، ایران را به همکاری بیشتر در این سازمان ترغیب می‌کند تا با بهره‌گیری از این ترس ژئوپلیتیکی دو کشور، به اهداف منطقه‌ای خود که بر محور تضمین امنیت منطقه ای استوار شده است، نزدیک شود. تلاش‌های بریکس در راستای ایجاد نظام بین‌الملل چندقطبی و مبارزه با جهان تک‌قطبی، فرصت‌هایی را برای همکاری ایران با این گروه به وجود می‌آورد.

بر اساس نظریه‌های موازنه، هیچ کشوری نمی‌تواند در نظام بین‌الملل تک‌قطبی به مخالفت با تک‌ابر قدرت بپردازد، مگر اینکه تصمیم بگیرد خود را منزوی کند. عضویت در بریکس به ایران کمک خواهد کرد تا بتواند مخالفت خود را با امریکا تداوم دهد، بدون اینکه منزوی شود. در ضمن ایران می‌تواند با پشتوانه جدید امنیتی - اقتصادی که از راه عضویت در بریکس کسب می‌کند، به تقویت هژمونی خود در خاورمیانه (و یا با ادبیات بومی تبدیل شدن به قدرت اول منطقه)، هم زمان با تضعیف هژمونی امریکا در منطقه اقدام کند. کسب مزیت‌های اقتصادی از طریق تأمین سرمایه و فناوری و به‌ویژه تجارت با اعضای بریکس از طرق غیردلاری، در شرایطی که امریکا از برجام خارج شده، فرصت دیگری برای ایران است. در نهایت کسب مشروعیت بین‌المللی برای مخالفت با امریکا از طریق یک پارچه و همسو شدن موضع ایران و بریکس و کسب قدرت نرم برای مقابله با تهاجم فرهنگی غرب از طریق متحد شدن با تمدن‌های غیرغربی اعضای بریکس مزیت دیگری است که ایران می‌تواند از طریق هم‌صدایی با بریکس به‌دست آورد. هر چند باید صبر کرد و دید آیا جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از این فرصت استفاده کند.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده‌سازی این مقاله مشارکت کرده‌اند.

تعارض منافع

بنا به اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت

طبق تعهد نویسندگان، حق کپی‌رایت (CC) رعایت شده است.

منابع

ازغندی، علیرضا (۱۳۹۱). *سیاست خارج جمهوری اسلامی ایران: چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌ها*. تهران: قومس.

ایران پرس (۱۳۹۷). «ظریف: قدرت ایران پایه مردمی دارد/ غرب مرکز عالم نیست». دسترسی در: <https://farsi.iranpress.com/iran-i155675>

ایزدی، جهانبخش و خوشینانی مطهری، مصطفی (۱۳۹۴). «اتلاف ناتمام بریکس و نسبت آن با جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۸(۳۸)، ۶۸-۴۱. http://prb.iauctb.ac.ir/article_516819.html

پوراحمدی، ح. (۱۳۸۷). «اقتصاد سیاسی هژمونی چندجانبه‌گرا: سنتز مفهوم هژمونی در پارادایم‌های لیبرالیستی و گرامشین». *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۳(۲)، ۶۸-۳۷. <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=102103>

جعفری، علی‌اکبر و فلاح، مهرداد (۱۳۹۷). «قدرت اقتصادی بریکس و بدیل برای اقتصاد لیبرال غرب». *فصلنامه سیاست*، ۱(۴۸)، ۱۸-۱. [DOI: 10.22059/JPQ.2018.213384.1006878]

سعیدی، رضا، سعیدی خلیل و دهقانی، علی (۱۳۹۳). «امکان‌سنجی موافقت‌نامه تجارت ترجیحی ایران با اعضای بریکس». *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۲(۶۹)، ۱۰۷-۱۳۰. <http://qjerp.ir/article-1-679-fa.pdf>

سلطانی‌نژاد، محمد (۱۳۹۴). «سیاست نگاه به شرق و مناسبات ایران و کشورهای جنوب شرق آسیا (۱۳۸۱-۱۳۹۲)». *فصلنامه روابط خارجی*، ۷(۳)، ۳۱-۷. <http://frqjournal.csr.ir/Article/13941210112215001833>

سلیمان‌پور هادی و مولایی، عبدالله (۱۳۹۲). «قدرت‌های نوظهور در دوران گذار نظام بین‌الملل». *روابط خارجی*، ۵(۱)، ۷-۳۴. <http://ensani.ir/fa/article/314494>

سنایی، محمد و ابراهیم‌آبادی، غلامرضا (۱۳۹۲). «سازمان قدرت‌های اقتصادی در حال ظهور (بریکس): اهداف، توانمندی‌ها و جایگاه آن در نظام بین‌المللی». *فصلنامه مطالعات جهان*، ۳(۱). [DOI: 10.22059/JWSQ.2013.52367]

سیمبر، رضا و بهرامی‌مقدم، سجاد (۱۳۹۳). «مخاطرات رشد در سیاست بین‌الملل»، *سیاست جهانی*، ۳(۱)، ۷-۳۹. https://interpolitics.guilan.ac.ir/article_171.html

شیرخانی، محمدعلی، بایزیدی، رحیم و رضازاده، مجتبی (۱۳۹۳). «موازنه نرم: بریکس و چالش برتری آمریکا». *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۹(۳)، ۱۷۶-۱۴۵. http://www.ipsajournal.ir/article_240.html

عصر بازار (۱۳۹۶). «افزایش ۴۳.۵ درصدی سرمایه‌گذاری شرکت‌های چینی در ایران». دسترسی در: <http://www.asrebazar.com/News/49211>

فاطمی‌نژاد، سیداحمد، شفیع‌زاده سمانه و محمدزادگان، فاطمه (۱۳۹۴). «سیاست خارجی قدرت‌های نوظهور نسبت به آمریکا؛ همراهی یا موازنه‌گری؟». *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا*، ۲۳(۱)، ۹۶-۶۷. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=254217>

- فرزین‌نیا، زیبا (۱۳۸۹). «جابجایی قدرت: مشخصه و سناریوها». *فصلنامه سیاست خارجی*، ۲۴(۲)، ۴۲۸-۴۰۵. http://fp.ipisjournals.ir/article_9504.html
- کریمی‌فرد، حسین (۱۳۹۲). «جایگاه سازمان‌های بین‌المللی در سیاست خارجی ایران»، *سازمان‌های بین‌المللی*، ۱(۴)، ۱۷۸-۱۴۱. <http://iojournal.csr.ir/Article/13940922114175000709>
- مختاری هشی، حسین (۱۳۸۹). «امنیت انرژی و موقعیت ژئوانرژی ایران». *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۶(۲)، ۹۵-۱۲۴. <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=129111>
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۳). «مطالعه سازه‌انگاره سازمان‌های بین‌المللی و امکانات پژوهشی»، *سازمان‌های بین‌المللی*، ۲(۵)، ۷-۳۵. <http://iojournal.csr.ir/Article/139505171436495002168>
- ولی‌زاده، اکبر و هوشی‌سادات، سیدمحمد (۱۳۹۲). «ژئوپلیتیک انرژی بریکس و جایگاه ایران». *فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۴۳(۲)، ۹۹-۱۲۰. [DOI: 10.22059/JPQ.2013.35658]
- Ban, C., & Blyth, M. (2013). "The BRICs and the Washington Consensus: An introduction". *Review of International Political Economy*, 20(2), 241-255. [DOI: 10.1080/09692290.2013.779374]
- Bohler-Muller (2016). "BOOK REVIEW: Global and regional leadership of BRICS countries". *South African Journal of International Affairs*, 23(3), 7-23. [DOI: 10.1080/10220461.2016.1221772]
- Classora Knowledge Base (2018). *Ranking of the World's Richest Countries by GDP*. Retrieved from: <http://en.classora.com/reports/t24369/ranking-of-the-worlds-richest-countries-by-gdp?edition=1997>
- Eulerhermes (2018). *Country Report*. Online at: https://www.eulerhermes.com/en_global/economic-research/country-reports.html
- Farzinnia, Z. (2010). "Transition of world power: evidence and scenarios". *Foreign Relation*, 24(2), 405-428. http://fp.ipisjournals.ir/article_9504.html (Persain)
- Fateminezhad, A., Shafizade, B. & Mohammad Zadegan, F. (2015). "Foreign policies of the new powers toward the U.S: Following or balancing?". *Quarterly Journal of Political and International Relations*, 23, 67-96. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=254217> (Persain)
- Gallarotti, G. M. (2016). "Compound soft power: the BRICS and the multilateralization of soft power". *Journal of Political Power*, 9(3), 467- 490. [DOI: 10.1080/2158379X.2016.1232292]
- Glosny, M. (2010). "China and the Brics: A Real (but Limited) Partnership in Unipolar World". *Polity*, 42(1), 100- 29. <https://www.jstor.org/stable/40587584?seq=1>

- Independent Online (2018). *BRICS hit back at USA*. Online at: <https://www.iol.co.za/business-report/brics/brics-hit-back-at-usa-16270880>
- Iqbal Badar Aalm (2015). "Emergence of BRICS as an Economic Bloc". *Journal Transnational Corporations Review*, 7(1), 110-120. [DOI: 10.5148/tncr.2015.7107]
- Izadi, J., & Khoshiani Motahari, M. (2015). "Unfinished alliance of BRICS and its impact on Islamic Republic of Iran". *Studies of International Relations Journal*, 8(38), 41-68. http://prb.iauctb.ac.ir/article_516819.html (Persain)
- Karimifard, H. (2013). "The status of international organization in the foreign policy of Iran". *Research Journal of International Organization*, 1(4), 142-177. <http://iojournal.csr.ir/Article/13940922114175000709> (Persain)
- Kennedy, P. (1987). *The Rise and Fall of Great Powers*. New York: Random House.
- Kissane, D2015" (2005). and the rise of rhina: power cucle analysis and the implications for Australia". *Security challenges*, 4(1), 87-97. [DOI: 10.1080/19934270.2013.851897]
- Kovaleva, A. (2013). "BRICS as an Alternative to Western Hegemony". *Security Index*, 4(105), 87- 97. [DOI: 10.1080/19934270.2013.851897]
- Lipton, M. (2017). "Are the BRICS reformers, revolutionaries, or counter-revolutionaries". *South African Journal of International Affairs*, 24(1). 41-59. [DOI: 10.1080/10220461.2017.1321039]
- Luft, G. (2008). *Iran and Brazil Can Do It, So Can We*. Retrieved from: <http://www.washington-post.com>
- Mokhtari Hashi, H. (2010). "Energy security and geo-energy situation of Iran". *International Quarterly of Geopolitics*, 6(2), 95-124. <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=129111>. (Persain)
- Moshirzadeh, H. (2014). "A structural study of international organization and the research feasibility". *Research Journal of International Organization*, 2(5), 7-34. <http://iojournal.csr.ir/Article/139505171436495002168> (Persain)
- Nayyar, D. (2016). "BRICS, developing countries and global governance". *Journal Third World Quarterly*, 37(4). 575- 591. [DOI: 10.1080/01436597.2015.1116365]
- Palmer, G. (2006). *A Theory of Foreign Policy*. Princeton: Princeton University Press.
- Pourahmadi, H. (2008). "Multi-lateral hegemony of political economics: synthesis of hegemony in liberalistic and Gramscian paradigms". *Research Letter of Political Science*, 3(2), 37-68. <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=102103> (Persain)
- Reuters (2016). *Putin says accepts U.S. is sole superpower, dilutes Trump praise*. Online at: <https://www.reuters.com/article/us-russia-forum-putin-usa-idUSKCN0Z31G4>

- Rusreality (2018). *The foreign Ministry said about the position of the BRICS on the US Sanctions Against Iran*. Online at: <https://rusreality.com/2018/05/18/the-foreign-ministry-said-about-the-position-of-the-brics-on-the-us-sanctions-against-iran/>
- Saeedi, R., Saeedi, Kh., & Dehghani, A. (2014). "The possibility of commercial contract with the members of BRICS". *Quarterly Journal of Economic Research and Policies*, 22(69), 107-130. <http://qjerp.ir/article-1-679-fa.pdf> (Persain)
- Sanayi, M., & Ebrahim Abadi, Gh. (2013). "The organization of new economic powers (BRICS): Aims, abilities and status in international system". *World Studies Quarterly*, 3(1), 1-40. [DOI: 10.22059/JWSQ.2013.52367] (Persain)
- Shirkhani, M., Bayazdi, R., & Rezazadeh, M. (2014). "Soft balance: BRICS and the challenge of the U.S superiority". *Research Letter of Political Science*, 9(3), 145-174. http://www.ipsajournal.ir/article_240.html (Persain)
- Sidiropoulos, E. (2018). *The BRICS in a Multipolar World*. Retrieved from: http://www.jmsp.ir/article_68824_d5f7b3a3882365efe6e8d88efa46ed81.pdf
- Soleymanpour, H., & Molayi, A. (2013). "New powers in the transition eras of international system". *Foreign Relations*, 5(1), 7-34. <http://ensani.ir/fa/article/314494> (Persain)
- Stuenkel, O. (2012). *Why the BRICS should forget Jim O'Neill*. Available at: <http://www.postwesternworld.com/2012/09/14/why-the-brics-should-forget-jim-oneill>
- Symer, R., & Bahrami Moghadam, S. (2014). "Dangers of development in international politics". *International Politics Quarterly*, 3(1), 7-40. https://interpolitics.guilan.ac.ir/article_171.html (Persain)
- Tass (2018). *Lavrov: Russia won't accept statements on destroying Israel or on fighting Iran*. Retrieved from: <https://tass.com/politics/990684>
- Tella, O (2017). "South Africa in BRICS: The Regional Power's Soft Power and Soft Balancing". *Politikon*, 44(3). 387-403. [DOI: 10.1080/02589346.2017.1295620]
- The Times of India (2018). *The Times of India*. Online at: <https://timesofindia.indiatimes.com/business/international-business/china-unites-india-other-brics-nations-in-fight-against-us-in-trade-war/articleshow/65100008.cms>
- Thebricspost (2016). *China's Xi enlists support of Iran for Silk Road revival*. Retrieved from: <http://www.thebricspost.com/chinas-xi-enlists-support-of-iran-for-silk-road-revival/#.XwYu820zbiU>
- Theguardian (2011). *South Africa gains entry to Bric club*. Online at: <https://www.theguardian.com/world/2011/apr/19/south-africa-joins-bric-club>
- Valizadeh, A. & Hooshisadat, S. (2013). "Geopolitic energy of BRICS and Iran's status". *Politic Quarterly*, 43(2), 99-120. [DOI: 10.22059/JPQ.2013.35658] (Persain)

- Walker, M. (2010). *The coming of the ten non Brics economies*. Online at: <https://www.slideshare.net/innovationcode/bp-the-coming-of-the-ten-non-bric-economies>
- Wilson, J. (2015). "Resource powers? Minerals, energy and the rise of the BRICS". *Journal Third World Quarterly*, 36(2). 223- 239. [DOI: 10.1080/01436597.2015.1013318]
- Zakaria, F. (2008). *Zakaria's 'The Post-American World*. Online at: <https://www.newsweek.com/excerpt-zakarias-post-american-world-89645>